یادداشت روز

سربازی برای نتانیاهو در پوشش مذاکره

ایران اکنون در نقطه عطف تاریخی قرار گرفته است. این نقطه عطف در تنگنای دو سویه مخالف قرار دارد؛ یک سویه آن حفظ اصول و ارزش‌هایی است که از ایران ضعیف تحت سیطره، ایران قوی مستقل ساخته است و یک سویه آن رها کردن اصول و ارزش‌هایی است که ایران را به دورانی برمی‌گرداند که ملت برای رهایی آن، انقلاب اسلامی را به راه انداخت و از دل آن جمهوری اسلامی را پدید آورد. ملت ایران البته این نقطه عطف تاریخی را با استقامت خود به یک «فرصت تاریخی» تبدیل می‌کند کما اینکه تا این تاریخ نقاط عطف را به فرصت‌های بزرگ تبدیل کرده است. فشارهایی که امروز از خارج و داخل به ایران وارد می‌شود تا از راه پرافتخاری که آمده است، بازگردد، بیش از فشارهایی که پیش از این و در دهه‌های گذشته با همین هدف‌گذاری به آن وارد شده، نیست.

فراموش نکرده‌ایم که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، ملت ایران در یک نقطه عطف تاریخی قرار گرفت و در حالی که امکانات امروز را نداشت، از آن فرصت و موقعیت بزرگی ساخت به گونه‌ای که ده‌ها سال پس از آن از نتایج مقاومت هوشمندانه خود بهره برد. آن روز دشمن در یک هجوم برق‌آسا، بخش‌های اساسی قدرت نظامی ایران را زیر ضربه گرفت و به خود وعده داد که ظرف چند روز همه اهداف ضدایرانی خود را به دست می‌آورد اما همان دشمن ده سال بعد در نامه‌ای که برای رئیس‌جمهور وقت ایران ارسال کرد، نوشت «اینک همه آنچه شما ـ ایران ـ می‌خواستید محقق شده است» این در حالی بود که در دوره جنگ، نیروهایی در داخل ایران و بعضاً در درون نظام سیاسی، ادامه مقاومت ایران را غیرممکن ارزیابی کرده و به «تجدیدنظر در راهبرد دفاعی خود» دعوت می‌کردند! در آن زمان، نهضت آزادی در حالی که از ابتدا هیچ کمکی به آزادسازی شهرهای اشغال‌شده ایران نکرده بود، و به تعبیر شهید سلیمانی پای یک نفر از آنان هم به جبهه نرسیده بود، نسخه تسلیم می‌پیچید. بعدها زمانی که آمریکا در سال ۱۳۶۹ با حجم بزرگی از نیروهای نظامی به عراق حمله کرد، عده‌ای در داخل، هراس‌افکنی نموده و نظام را به درس گرفتن از حمله آمریکا به عراق دعوت می‌کردند. این دسته هم از ابتدا اعتقادی به مقاومت در برابر آمریکا نداشت اما ملت ایران نه ترسید و نه عقب نشست. بعد در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲، در جریان جنگ آمریکا علیه افغانستان و عراق، عده دیگری از همان قماش و از داخل دولت و اطراف دولت نسخه تسلیم می‌پیچیدند در حالی که پیش از این وقایع هم اعتقادی به مقاومت نداشتند. این موارد تنها سه نقطه عطف تاریخی بودند که مردم ایران با استقامت خود، تهدیدات و ارعاب‌ها را به فرصت‌های بزرگ تبدیل کردند و کشور را به مرتبه‌ای رساندند که غربی‌ها به زبان آمدند و گفتند هر تهدید و اغتشاش ناشی از تهدید یک فرصت بزرگ برای گسترش ایده‌ها و آرمان‌های ایران است.

جریان وادادهای که هیچ‌گاه به مقاومت در برابر نظام سلطه اعتقاد نداشته و در عین حال در جایگاه‌های مهمی از نظام اسلامی رخنه کرده بود، در سال ۱۳۸۲ وارد مذاکره با قدرت‌های غربی شد و آنکاره شدن در نظامات یکطرفه استکباری را به‌عنوان تنها راه خارج شدن ایران از «شرایط ویژه» پذیرفت. نتیجه این رویکرد، ۲۲ سال مذاکره و گفت‌وگو و امتیاز دادن‌های پی‌درپی بدون دستیابی به ادعای خارج کردن ایران از شرایط ویژه بود. در این فاصله تحریم‌های ایران دائماً افزایش یافته و سخت‌تر شد و دست آخر به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله نظامی شد. این جریان سازشکار آن‌قدر صداقت نداشت که به مردم ایران بگوید، مذاکره و توافق سرابی است که ورود به آن ایران را بیشتر در شرایط ویژه قرار می‌دهد. نظام جمهوری اسلامی بر مبنای پایبندی به ساختار و نتایج انتخاباتی به این جریان اجازه داد تا داعیه باطل خود را به محک تجربه بگذارد و راه عوام فریبی بسته شود و سبب اتحاد بیشتر مردم در برابر مطامع نظام سلطه گردد.

ملت اینک این تجربه تلخ و خسارت‌بار را در اختیار دارد و در این مقطع تاریخی می‌داند که مذاکره با غرب نه تنها محدودیت‌های اقتصادی و تهدیدات نظامی ـ امنیتی آن را کم نمی‌کند بلکه بر آن می‌افزاید. اما این جریان که هیچ‌گاه با متن مردم ایران همدل و همراه نبوده است، ادعاهای دروغ دشمنان را بزرگ کرده و طرف مقصر را ملت ایران و اصول و ارزش‌های آن معرفی می‌نماید. جالب این است که این جریان با پررویی تمام می‌گوید پذیرفتن تحمیل‌های هسته‌ای غرب کافی نیست باید به «تحمیل‌های جامع» آن تن داد. این جریان در شرایطی که باید در دادگاه‌های جمهوری اسلامی تن به محاکمه و تحمل مجازات‌های سنگین بدهد، از نظام جمهوری اسلامی می‌خواهد به‌طور مطلق تسلیم همه خواسته‌های غرب شود. جریان یادشده که روزی اظهارات یک وزیر آمریکایی را تضمین می‌خواند، امروز می‌گوید اگرچه هیچ تضمینی وجود ندارد، باید مذاکره را ادامه داد و هرچه هزینه آن باشد پرداخت کرد و جالب این است که غربی‌ها حالا دیگر به خیال آنکه این جریان وادادِه که به دریوزگی افتاده می‌تواند جمهوری اسلامی را وادار به تسلیم کند، مذاکره را هم نمی‌پذیرند و از تسلیم مطلق ایران سخن می‌گویند.

اما واقعیت نظام جمهوری اسلامی این نیست. واقعیت میدانی و عملی جمهوری اسلامی ۴۷ سال مقاومت در برابر بازیابی تسلط غرب بر کشور است. واقعیت ایران ملتی است که در همین جنگ ۱۲ روزه اخیر تمام برنامه‌ریزی غرب علیه خود را به‌هم زد. واقعیت ایران ملت متمدنی است که زیر بار تحمیل نمی‌رود.

انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن امروز بسیار قوی‌تر از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ است که ما آن را اولین نقطه عطف تاریخی می‌دانیم و بر کسب پیروزی در آن متفق‌القول هستیم. امروز ایران از همه ادوار تاریخی خود قوی‌تر است. کشوری که در یک روز ـ ۲ تیر ۱۴۰۴ ـ هم به مصاف نظامی برترین قدرت نظامی غرب و هم به مصاف رژیم شرور صهیونی رفته و آنها را وادار به اعلام توقف جنگ کرده است، قوی می‌باشد. ایرانی که امروز نفوذ آن از دریای عمان تا دریای مدیترانه امتداد دارد، در عرصه جهانی به یک طرف مهم تبدیل شده و در اعماق جان انسان‌ها از اندونزی ـ در منتهی‌الیه شرق آسیا ـ تا مراکش ـ در منتهی‌الیه غرب آفریقا ـ و از آنجا تا قلب آمریکای لاتین قرار گرفته است، جایی برای ترسیدن و وادادن ندارد.

امروز ایستادگی ایران در برابر نظام سلطه به ایستادگی جهان در برابر نظام سلطه منجر شده و از این‌رو جهان در این ایستادن کنار ایران است. ملت ایران در مقاطعی از تاریخ ـ که بخشی از آن را برشمردیم ـ بدون آنکه موقعیت فعلی را در میان ملت‌ها و دولت‌ها داشته باشد و بدون آنکه به این سطح از امکانات دفاعی دست یافته باشد با توکل و اعتماد به قدرت خداوند متعال و تکیه بر توان خود، به مصاف زورگویان رفته و بر آن‌ها غالب آمده است، امروز چه جای آنکه بخواهد در مقابل زورگویانی که رسواتر و منزوی‌تر از همیشه هستند، کوتاه بیاید.

رهبر معظم انقلاب اسلامی ـ دامت برکاته ـ چند سال قبل فرمودند یکی از اهداف فشار سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و روانی دشمن، تأثیر گذاشتن بر ذهن و جمع‌بندی مسئولان کشور ایران می‌باشد. دشمن در این ۴۷ سال، مردم ایران را تجربه کرده و آنان را مقاوم‌ترین مردم جهان یافته است. همین چند روز پیش کانال ۱۳ رژیم صهیونیستی در ضمن پخش مستندی از جنگ ۱۲ روزه از قول یک مقام ارشد نظامی اسرائیل گفت «ما فکر می‌کردیم سه روزه و حداکثر پنج روزه کار ایران تمام می‌شود اما انسجام ایرانیان در برابر موج‌های جنگ مانع آن شد». در این مستند، بنیامین نتانیاهو می‌گوید من قبل از جنگ با ترامپ دیدار کردم و پنج هدف از حمله به ایران از جمله صفرسازی غنی‌سازی و محدودسازی برد موشک‌های ایران به ۳۰۰ کیلومتر را برای او توضیح دادم. ترامپ به من گفت من این‌ها را با مذاکره می‌گیرم. در آنجا توافق کردیم که اگر با مذاکره نشد من با روش خود ـ جنگ ـ آن‌ها را بگیرم و ترامپ در نهایت گفت اینکه تو می‌گویی با جنگی بین سه تا پنج روز این پنج هدف را محقق می‌کنی من حامی اصلی‌ام ولی اگر بیشتر شود، نه. چرا ترامپ گفته جنگ با ایران نباید بیش از پنج روز به طول انجامد؟ یک مقام سرویس اطلاعاتی آمریکا این سؤال را پاسخ داده است: «اگر ایران یک هفته دیگر به جنگ ادامه می‌داد، غزه هم تمام می‌شد» یعنی اسرائیل با شکستی بسیار بزرگ مواجه می‌گردید تا جایی که ناگزیر از غزه هم خارج می‌شد.

با توجه به این دو سند که توسط حامیان اسرائیل منتشر شده‌اند می‌توان گفت آمریکا و رژیم اسرائیل و غربی‌هایی که در جنگ ۱۲ روزه به مصاف ملت ایران آمدند، از ملت ایران شکست خوردند و به شکست خود اعتراف کردند اما قضایایی که در حد فاصل سوم تیر ـ پایان جنگ و تسلیم آمریکا و رژیم اسرائیل در برابر قدرت ایران ـ تا امروز در میان افراد جریان وادادِه در ایران رخ داده و مذاکرات و تسلیم به ترجیح‌بند آنان تبدیل گردیده، نشان می‌دهد تأثیرات دشمن بر ذهن آنان کار خود را کرده است. آیا این جریان سربازان ملت ایران هستند یا اسب تروای دشمنان در جبهه ایران؟ آیا این‌ها سربازان آن بخش از ماجرا نیستند که ترامپ به نتانیاهو گفت آنچه تو می‌خواهی برای تحقق آن با ایران وارد جنگ شوی، من با مذاکره به دست می‌آورم؟ سربازان ترامپ و نتانیاهو مگر چه می‌کنند؟ می‌جنگند تا اهداف آمریکا و اسرائیل را محقق نمایند. آیا سربازان ترامپ و نتانیاهو لزوماً باید مثلاً در ساختمان لشکر ۸ آمریکا و یا در ساختمان لشکر ۷ اسرائیل حضور داشته باشند تا سرباز آنان خوانده شوند؟ جریانی که امروز علی‌رغم آنکه غرب در پرونده هسته‌ای خدعه کرده، به تأسیسات نظامی و اتمی ما حمله نموده، علیه ایران جنگ به راه انداخته، تحریم‌های غیرقانونی شورای امنیت را برگردانده، به ادعاها و تهدیدات خودت علیه ایران عزیز ما ادامه می‌دهد، هنوز بر مذاکره و تسلیم در برابر آمریکا و اروپا تأکید دارند و می‌خواهند آنچه دشمنان با جنگ به دست نیاوردند را به نام مذاکره در اختیار آنان قرار دهند، سرباز نتانیاهو است. آیا افراد این جریان، کار خلبان‌های متجاوز آمریکا به تأسیسات نظامی و اتمی ایران را نمی‌کنند؟ تعطیل کردن برنامه هسته‌ای ایران با بمب یا مذاکره چه تفاوتی دارد؟

سعدالله زارعی

امضای یادداشت تفاهم همکاری بین سازمان انرژی اتمی ایران و شرکت روس‌اتم

یادداشت تفاهم همکاری در زمینه ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای کوچک مقیاس (SMR) در ایران، میان سازمان انرژی اتمی کشورمان و شرکت دولتی انرژی اتمی «روس‌اتم» به امضا رسید.

محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی در جریان سفر به روسیه با الکسی لیخاچف، مدیرعامل شرکت دولتی انرژی اتمی «روس‌اتم» دیدار و گفت‌وگو کرد.

به گزارش مهر به نقل از مرکز اطلاع‌رسانی سازمان انرژی اتمی؛ در این نشست، یادداشت تفاهم همکاری در زمینه ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای کوچک مقیاس (SMR) در ایران به امضای محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان و الکسی لیخاچف مدیرعامل شرکت روس اتم رسید.

این توافق‌نامه به منظور گسترش همکاری در زمینه استفاده‌های صلح‌آمیز انرژی اتمی برای ارتقای توسعه پایدار، امنیت انرژی و پیشرفت فناوری و مطابق با قوانین ملی و تعهدات بین‌المللی ۲ کشور منعقد شده است.

در راستای اجرائی شدن این تفاهم، قراردادهایی برای طراحی و ساخت نیروگاه‌هایی مبتنی بر راکتورهای ماژولار کوچک مقیاس (SMR) میان سازمان‌های ذی‌صلاح از ۲ طرف تنظیم و امضا خواهد شد.

این راکتورها نقش مهمی در توسعه دانش فنی و فناوری هسته‌ای و صنایع مرتبط با ساخت ادوات و تجهیزات نیروگاهی در کشور خواهند داشت. علاوه‌بر این، دستیابی به فناوری راکتورهای ماژولار کوچک مقیاس (SMR) می‌تواند ظرفیت جدیدی برای تامین توان صنایع بزرگ و ایجاد تعادل در شبکه برق کشور فراهم کند.

گفتنی است توسعه نیروگاه‌های هسته‌ای مبتنی بر به‌کارگیری راکتورهای ماژولار کوچک مقیاس (Small Modular Reactor) یکی از مباحث داغ در توسعه انرژی هسته‌ای است و بسیاری از کشورها طرح‌هایی را به منظور دستیابی به فناوری در دستور کار خود دارند.

ولایتی: مکانیزم ماشه نشان‌دهنده ناتوانی و عجز غرب است

مشاور رهبر معظم انقلاب اسلامی ضمن بیان اینکه «ترامپ نسخه جدید هیتلر است» اظهار داشت: مکانیزم ماشه نشانه عجز غربی‌ها است.

علی اکبر ولایتی، مشاور رهبر معظم انقلاب در گفت‌وگو با شبکه «المیادین» گفت: گامی که سه کشور اروپایی اخیرا در شورای امنیت برای فعالسازی مکانیزم ماشه اتخاذ کردند و تحمیل تحریم‌های یکجانبه علیه ایران بار دیگر چهره واقعی دشمنی تاریخی غرب و آمریکا با ملت شریف ایران را نشان داد.

ولایتی افزود: این اقدام خصمانه که در سیاست‌های استعماری و سلطه‌طلبانه غربی‌ها ریشه دارد، نه تنها نقض آشکار قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است، بلکه تلاشی شکست خورده برای ایجاد فشار بر محور مقاومت و ممانعت از پیشرفت علمی و دفاعی ایران است. جمهوری اسلامی ایران همواره بر دیپلماسی مسالمت‌آمیز تاکید دارد اما در مقابله با چنین توطئه‌هایی با قدرت و عزت ملی پاسخ خواهد داد.

وی تصریح کرد: فعال‌سازی مکانیسم ماشه از سوی اروپا در راستای دیکته‌های واشنگتن بوده و بازتاب دهنده عجز غربی‌ها در مقابله با پیشرفت ایران در زمینه‌های هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای است، بنابراین این اقدامات تنها منجر به انزوای بیشتر اروپا در عرصه بین‌المللی خواهد شد درحالی که ایران اسلامی به پشتوانه ایمان، علم و همبستگی ملت عظیم خود، به مسیر پیشرفت سریع ادامه خواهد داد.

ولایتی تاکید کرد: تصمیمات سازمان ملل در جهان بی‌اثر شده است. مکانیزم ماشه از همان ابتدا بر اساس بطلان شکل گرفت و در این شرایط هیچ تاثیر عملی بر ایران نخواهد گذاشت و تنها یک ابزار تبلیغاتی و خصمانه علیه جمهوری اسلامی است.

مشاور رهبر معظم انقلاب در پاسخ به این سؤال که رفتارهای ترامپ و سیاست‌هایش درخصوص منطقه را چگونه ارزیابی می‌کنید، توضیح داد: رفتار ترامپ من را یاد اقدامات هیتلر، رهبر نازی‌ها در اوایل جنگ جهانی دوم می‌اندازد، در سپتامبر ۱۹۳۹ (۱۳۱۸) هیتلر جهان غرب را ترساند و کشورهایی مانند انگلیس، فرانسه و ایتالیا تسلیم او شدند. امروز همان تاریخ تکرار شده است و ترامپ بدون اینکه از گذشته درس عبرت بگیرد همان راه را در پیش گرفته است و این راه پایان خوبی برای او و طرفدارانش نخواهد داشت.

ابعاد تجاوز اسرائیل به قطر

ولایتی در مورد موضع ایران در قبال تجاوز اسرائیل وحامیان آمریکایی و انگلیسی‌اش به قطر عنوان داشت: ما این تجاوز را به شدت محکوم می‌کنیم و من به عنوان یک مسلمان به شدت از اینکه امنیت و زندگی برادران و خواهران ما در کشور خود در معرض خطر قرار گرفت، ناراحتم. یکی از روشن‌ترین مثال‌ها برای این جنایت‌ها جنگی است که بیش از ۷۰۰ روز در غزه ادامه دارد و جنایت‌هایی که رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان مظلوم از زنان و مردان گرفته تا کودکان و سالخوردگان مرتکب می‌شود. ملت ایران در قبال این حوادث غم بزرگی دارد و در هر شرایطی حامی موجودیت اسلام و حیات مسلمانان باقی خواهد ماند.

ولایتی در بخش دیگری از این گفت‌وگو اظهار داشت: آنچه در قطر رخ داد، بیانگر نکات مهمی است، از جمله اینکه رژیم صهیونیستی صلیبی چیزی نیست جز بازتولید جنگ‌های صلیبی که مسلمانان در آن وحشیانه بدون هیچ دلیلی جز اینکه مسلمان هستند، قربانی می‌شدند. بر اساس تاریخ، در جریان جنگ‌های صلیبی (۴۸۸ ـ ۶۹۲ هـ) مسلمانان بارها به دست گروههایی از اراذل و اوباش اروپایی قتل عام شدند تا جایی که یکی از فرماندهان انگلیسی در نامه‌ای به پادشاه انگلیس نوشت: در قدس و در معبد سلیمان خون مسلمانان تا زانوی ما می‌رسید.

وی خاطرنشان کرد: امروز نیز یک جماعت خبیث که پیرو هیچ دینی نیستند و پیروان واقعی حضرت موسی(ع) از آن‌ها مبرا هستند، وحشتناک‌ترین جنایت‌ها را علیه مسلمانان مرتکب می‌شوند. این صهیونیست‌ها یک گروه شیطانی از جریان افراطی انجیلی هستند و این‌ها همانی هستند که بعد از انفجار برج‌های دوقلو، بوش پسر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعلام کرد جنگ‌های صلیبی بار دیگر آغاز شد و بعدها مشخص شد که همین جریان برای این حادثه برنامه‌ریزی کرده بود تا بهانه‌ای برای حمله به عراق و افغانستان داشته باشد.امروز هم شاهد هستیم که حکام آمریکا به هیچ اصلی پایبند نیستند، صبح یک حرفی می‌زنند و شب برعکس آن عمل می‌کنند. مثال این امر قطر است؛ علی‌رغم حمایت‌های قطر از آمریکا، دولت آمریکا در ابتدای تجاوز رژیم صهیونیستی از این رژیم حمایت کرد، اما بعد از اینکه در تحقق هدف اصلی خود یعنی ترور فرماندهان حماس ناکام ماند، موضع خود را تغییر داد و اعلام کرد که موافق این اقدام نیست.

ولایتی تاکید کرد: درخصوص نقش انگلیس برخی گزارش‌ها می‌گویند که این کشور یکی از هواپیماهای مخصوص سوخت رسانی به جنگنده‌های رژیم صهیونیستی در آسمان را ارسال کرده است اما انگلیس در راستای فریب اذهان عمومی گفت که این پرواز در چارچوب رزمایش با نیروهای قطری انجام شد. همه این شواهد ثابت می‌کند که غربی‌ها همچنان در هیچ جنایتی علیه مسلمانان درنگ نمی‌کنند. امیدواریم که امت عربی و اسلامی از این تجربه‌های تلخ و دستاوردهای مؤثر مقاومت در مقابله با این دشمنان دیرینه استفاده کند و بار دیگر فریب این شیاطین را نخورند و جمهوری اسلامی ایران آمادگی صادقانه برای ارائه کمک‌های لازم به کشورهای اسلامی در راستای دفاع از موجودیت و منافع آنها را دارد.

وی درخصوص توطئه‌ها علیه محور مقاومت و حزب‌الله لبنان هم تشریح کرد: این اولین بار نیست که کشورهای اسلامی به ویژه در منطقه حساس غرب آسیا با چنین توطئه‌هایی از سوی دشمن مواجه شوند؛ بیش از ۴۰ سال است که من شاهد اقدامات تخریبی و دسیسه‌های فریبکارانه غرب و مزدوران صهیونیست آنها در لبنان و عراق هستم. این توطئه‌ها از قبل بود و تا به امروز ادامه دارد اما حقیقت این است که مقاومت در مقایسه با گذشته بسیار قوی‌تر و با تجربه‌تر و با اراده‌تر شده است. بنابراین توطئه دشمن در لبنان با شکست همراه خواهد بود و در عراق نیز همین‌طور است و ملت شجاع عراق و حشدالشعبی با قدرت در مقابل طرح‌ها و توطئه‌های آمریکا می‌ایستند.

ولایتی درمورد اقدامات لازم برای مقابله با جنایت‌های رژیم صهیونیستی در غزه گفت: رژیم صهیونیستی با حمایت غربی‌ها مرتکب جنایت‌های وحشتناکی شد از جمله دفن کودکان زنده، هدف قرار دادن زنان باردار، ترور نخبه‌های فلسطینی و ویرانی زیرساخت‌های حیاتی. این جنایت‌ها در واقع جنایت‌هایی علیه بشریت است و تلاشی برای نسل کشی فرهنگی، جغرافیایی است.

به گزارش ایرنا، مشاور مقام معظم رهبری همچنین بیان داشت: نباید به محکومیت‌های کلامی اکتفا کنیم و در این چارچوب اقدامات فوری و عملی اتخاذ کنیم از جمله: فشار بین‌المللی برای بازگشایی گذرگاه‌های انسانی در غزه و شکستن محاصره این منطقه تا مردم به نیازهای اساسی خود برسند. تشکیل دادگاه بین‌المللی ویژه برای محاکمه جنایتکاران جنگی. وضع تحریم‌های فراگیر اقتصادی، سیاسی و نظامی علیه رژیم صهیونیستی و ملزم‌کردن رسانه‌ها به پوشش بی‌طرفانه و بدون سانسور فجایع غزه.

خبر ویژه

فرافکنی متهمان پس از قربانی‌کردن رشد اقتصادی پیش پای مذاکره

روزنامه‌ای که طی یک سال گذشته مذاکره به هر قیمت با آمریکا را بزک کرد، اکنون که نتیجه این روند فرصت‌سوز در قالب رشد منفی اقتصادی آشکار شده، می‌گوید رشد منفی اقتصادی، نتیجه سایه سنگین سیاست بر اقتصاد است.(!)

روزنامه هم میهن، بدون اشاره به نقش طیف متبوع خود در فربه‌سازی سیاست و مذاکره نوشت: «رشد اقتصادی ایران پس از چهارسال‌ونیم که ۱۷ فصل را شامل می‌شود، در بهار امسال منفی شده است. مرکز آمار در گزارشی اعلام کرده و گفته تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ در سه ماهه اول امسال به رقم ۲۴ هزار و ۲۷۰ میلیارد ریال با نفت و ۱۸ هزار و ۶۴ میلیارد ریال بدون احتساب نفت رسیده است که نشان از رشد منفی ۱/۰ درصدی محصول ناخالص داخلی با نفت و ۴/۰- درصدی محصول ناخالص داخلی بدون نفت در سه ماهه اول سال ۱۴۰۴ دارد.

به نظر می‌رسد با توجه به قطع برق شهرک‌های صنعتی در تابستان امسال که به چهار روز در هفته رسیده بود و همچنین تعلیق‌های پس از جنگ ۱۲ روزه و تبعاتی که بر تولید داشت، روند افت رشد اقتصاد در فصل بعد به صورت شدیدتری ادامه داشته باشد.

رشد اقتصادی منفی در حالی است که در برنامه هفتم توسعه که در دولت قبل تهیه و تصویب شد و مسعود پزشکیان خود را موظف به اجرای آن می‌داند، برای رشد ۸ درصدی هدف‌گذاری شده است که فعلاً در سال اول اجرا این رشد منفی است. آنچه مشخص است، رشد اقتصادی در کشور ما وابسته به صادرات نفت است و تحریم‌های صورت گرفته در چند سال اخیر نشان می‌دهد که وضعیت رشد اقتصاد در شیب منفی قرار گرفته است. باید به این نکته توجه داشت که امسال تقریباً از میانه بهار کشور با بی‌برقی و کم‌آبی مواجه شد که قطعاً تاثیر منفی آن در آمارهای بعدی دیده خواهد شد».

هم میهن همچنین در تحلیلی با عنوان «سایه سنگین سیاست بر اقتصاد» نوشت: «شروع دولت چهاردهم با اتفاقاتی آغاز شد که شاید هر دولت دیگری می‌بود به سختی می‌توانست این‌گونه خردمندانه با آن کنار بیاید. روز بعد از مراسم تحلیف پزشکیان، اسماعیل هنیه در تهران ترور شد؛ حدود ۵ ماه بعد از شروع به کار آن، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری منتخب ایالات متحده شد که سابقه خروج او از برجام در دور اول ریاستش بر اقتصاد و سیاست ایران سایه سنگین افکنده بود و ۹ ماه بعد از شروع به کار دولت چهاردهم یعنی در خردادماه امسال، جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و نیز آمریکا علیه ایران رخ داد.

اما پیام رشد منفی اقتصادی چیست؟ اگر چند روز دیگر، ایران با سه کشور اروپایی و نیز آمریکا به توافق نرسد، مکانیسم ماشه فعال می‌شود و ایران تحت تحریم قطعنامه‌های گذشته سازمان ملل قرار می‌گیرد. اما چه باید کرد؟ به نظر می‌آید به جز کره شمالی، ایران تنها کشوری باشد که اقتصاد خود را باید از مسیر سیاست حل کند. یعنی اول باید چارچوب سیاست بین‌المللی را حل و فصل کند و سپس به اقتصاد بپردازد.

افرادی که مدعی هستند می‌شود بدون حل و فصل کردن سیاست بین‌المللی، اقتصاد ایران را به رونق انداخت، در توهمات واهی به سر می‌برند، زیرا تجربه ۴۰ ساله گذشته و نیز توسعه چین نشان داده که بدون حل این مشکل، رونق و توسعه اقتصادی امری محال است. مسیر توسعه و رونق اقتصادی ایران از پل سیاست می‌گذرد».

حکایت سوگواری روزنامه غربگرا حکایت همان ضرب‌المثل است که می‌گوید: خود می‌کشند و خود تعزیه می‌دارند! اولا محافل غربگرا متهمان اصلی ضعیف‌نمایی کشور و جرئت دادن به دشمن برای اقدامات تروریستی و تهدیدات نظامی هستند. بنابراین آنها در هر ریسک و آسیبی که از این زاویه به اقتصاد کشور تحمیل شده باشد، شریک جرم دشمن هستند.

اتهام دوم این گروه آن است که همزمان با آماده شدن دشمن برای عملیات نظامی، در عملیات فریب او نقش‌آفرین بودند و وانمود می‌کردند که به زودی توافق سر می‌گیرد، تحریم‌ها برداشته می‌شود و دو هزار و پانصد میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی به کشور می‌آید. خیانت سوم، ایجاد حالت تعلیق و انتظار در حوزه اقتصادی به مدت ۹ ماه است که طبیعتا به عقبگرد تولید و رشد اقتصادی می‌انجامد. خیانت چهارم این است که با وجود عبرت‌های موجود و مشاهده اینکه معطلی در بن‌بست مذاکره موجب منفی شدن روند رشد اقتصادی چند سال گذشته شده، باز هم بر درجا زدن در همان بن‌بست به عنوان راه‌حل تاکید می‌کنند.

متقابلا باید به عنوان شاهد و سند تاریخی، عملکرد دولت شهید رئیسی را یادآور شد که بدون برجام و بدون اولویت تلقی کردن مذاکره و توافق با آمریکا، توانست رشد اقتصادی را احیا کند و تا ۵ درصد افزایش دهد.

رشد اقتصادی در دولت شهید رئیسی بدون برجام با توافق دوباره با آمریکا، حتی تا ۵ درصد هم افزایش یافت و هنگام تحویل دولت، حدود سه درصد بود. احیای هشت هزار کارخانه تعطیل و نیمه تعطیل، افزایش لااقل سه برابری صادرات نفت، و کاهش ۱۲درصدی نرخ تورم (از ۴۵ درصد به ۳۳ درصد، نتیجه این دوره کمتر از ۳ سال است و این در حالی است که ۸۵۰ تحریم سال ۱۳۹۴ به بیش از ۱۷۰۰ تحریم در سال ۱۴۰۰ رسیده بود. نکته قابل تامل اینکه معدل رشد اقتصادی در هشت سال دولت روحانی(برجام)، شش دهم درصد(نزدیک به صفر) بود.

از طرف دیگر باید توجه داشت که اگر به مشکل قطعی برق و تاثیر آن در منفی شدن رشد اشاره می‌شود، این مسئله نیز به بی‌عملی مدیریت غربگرا و مذاکره زده در ابعاد مختلف برمی‌گردد. از عقبگرد در گسترش برنامه هسته‌ای و تاسیس نیروگاه‌های هسته‌ای، تا تعهد به غرب برای کاهش مصرف سوخت فسیلی در نیروگاه‌ها و کاهش روند تولید برق در کشور. این هم از یادگاری‌های دوران اعتماد به غرب است.

و سرانجام درباره الگوی توسعه چینی که هم میهن ادعا کرده از مسیر مذاکره با آمریکا عبور کرده(!) باید سؤال کرد که چین در مذاکره با آمریکا چنان ذوق‌زده بود که مانند دولت روحانی به تعطیلی ۹۵ درصد برنامه هسته‌ای و قبول مکانیسم احمقانه ماشه تن بدهد یا تدابیر اقتصادی درونزا و گسترش دیپلماسی تجاری را معطل امر و نهی غرب نگه دارد و ده سال زمان رشد و پیشرفت را با دلخوشی به وعده‌های آمریکا بسوزاند؟ یا اینکه به تولید قدرت و گسترش حوزه نفوذ اهتمام ورزید؟!

عصبانیت رسانه بریتانیای صغیر از موضع قاطع پزشکیان

عصبانیت شبکه دولتی انگلیس از محتوای سخنان آقای پزشکیان نشان می‌دهد که این اظهارات درست و به‌جا و خلاف مطامع دشمنان ملت ایران است.

در حالی که رسانه‌های غربی و غربگرایان مشترکاً بر لزوم بازی پزشکیان در زمین مذاکره تحمیلی اصرار داشتند، آقای پزشکیان، آمریکا و اروپا را به خاطر خیانت در برجام و مذاکرات و شراکت در جنایات رژیم صهیونیستی مورد بازخواست قرارداد و بر اقتدار و ایستادگی ملت ایران در برابر گردن‌کشان تاکید کرد.

این رویکرد منطقی به مذاق تحلیلگر وب‌سایت بی‌بی‌سی انگلیس خوش نیامد. او می‌نویسد: «سخنرانی پزشکیان در سازمان ملل متحد؛ فرصتی بزرگی بود که از دست رفت. سه ماه بعد از جنگ ۱۲روزه، این مهم‌ترین و بزرگ‌ترین تریبونی بود که رئیس‌جمهور ایران، برای ارائه راه نجات کشورش از فشار اقتصادی و حتی حمله نظامی بیشتر، در اختیار داشت. آقای پزشکیان با فهرست کردن تبعات جنگ دوازده روزه، کشتن فرماندهان و شهروندان ایرانی را به جنگ دو ساله اسرائیل در غزه پیوند داد، شاید به این امید که با افزایش نارضایتی جامعه بین‌الملل از اقدامات اسرائیل در غزه، نشان دهد که «قلدری و زورگویی» اسرائیل به غزه، محدود نمی‌شود.

تحلیلگر بی‌بی‌سی می‌افزاید: «ماموریت رئیس‌جمهور ایران، در نیویورک برای ترمیم وجهه بین‌المللی و جلوگیری از سقوط بیشتر اقتصادی، بدون آنکه از خطوط رهبری عبور کند، تقریباً غیرممکن است؛ ماموریتی که به این سخنرانی محدود نمی‌شود ولی در این سخنرانی، ایده راهگشایی به گوش نرسید. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور [آمریکا!]، که سه ماه پیش دستور حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران را صادر کرد خواهان مذاکره مستقیم با تهران است اما ایران که از خروج آمریکا از برجام و نقض توافق‌های قبلی آسیب‌دیده، به مذاکره با واشنگتن اعتمادی ندارد. درست زمانی که پزشکیان راهی نیویورک شد، رهبر ایران، در سخنانی تلویزیونی اعلام کرد هیچ کشوری با تهدید مذاکره نمی‌کند. در حالی که ایران همچنان زیر فشار تورم و تحریم قرار دارد، بدون نگاهی نو در سیاست‌خارجی شرایط برای این کشور در عرصه بین‌المللی تغییری نمی‌کند».

وقاحت بی‌بی‌سی آنجا معلوم می‌شود که می‌نویسد ترامپ سه ماه بعد از حمله به ایران خواستار مذاکره با ایران است و حال آن که ترامپ با خیانت به مذاکره و دیپلماسی، نشان داده که اهل هیچ نوع تعامل و تفاهم نیست و حتی به متحدان اروپایی خود خیانت می‌کند. چنان‌که آخرین‌بار نخست‌وزیر انگلیس در کنار چند نفر دیگر از سران اروپایی، توسط ترامپ در کاخ‌سفید مورد توهین و تحقیر قرار گرفت. ترامپ همچنین در سخنرانی سازمان ملل ضمن توهین چندباره به اروپایی‌ها گفت: اروپایی‌ها می‌میرند اما کولر روشن نمی‌کنند! اروپا هر سال بیش از ۱۷۵/۰۰۰ نفر را به دلیل مرگ ناشی از گرما از دست می‌دهد، چون هزینه‌ها آن‌قدر بالاست که مردم نمی‌توانند کولر را روشن کنند. این دیگر چه وضعی است؟

در همین حال، برخلاف ادعای بی‌بی‌سی، کانال usfacts (حقایق آمریکا) ضمن مرور مستندات نوشت: از اول هم اصلاً مذاکره‌ای در کار نبود! سخنگوی وزارت خارجه آمریکا فروردین ۱۴۰۴، ۲ ماه قبل از آغاز جنگ ۱۲روزه تحمیلی اسرائیل و آمریکا علیه ایران گفته بود: این یک مذاکره نیست بلکه یک جلسه است و ایران در جایگاهی نیست که بخواهد شرط یا خواسته‌ای مطرح کند!

ساعاتی قبل از شروع مذاکره ایران و آمریکا در مسقط، مجری شبکه فاکس‌نیوز از تامی بروس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا می‌پرسد «در شرایطی که اسرائیل گفته ایران باید تمام تاسیسات هسته‌ای خود را به طور کامل نابود کند، آیا در این مذاکرات ممکن است به ایران اجازه داده شود تاسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز خود را حفظ کند؟» و بروس پاسخ می‌دهد: «من نمیتونم حدس بزنم چه اتفاقی رخ می‌دهد ا